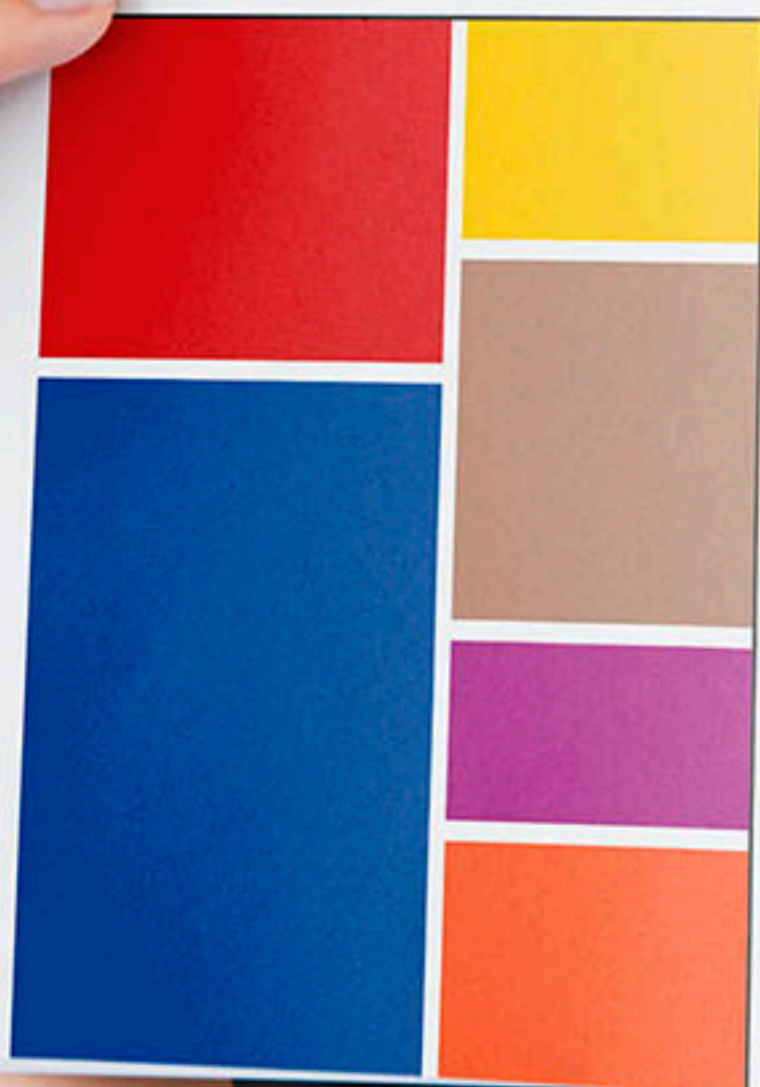




موزه هنرهای معاصر تهران

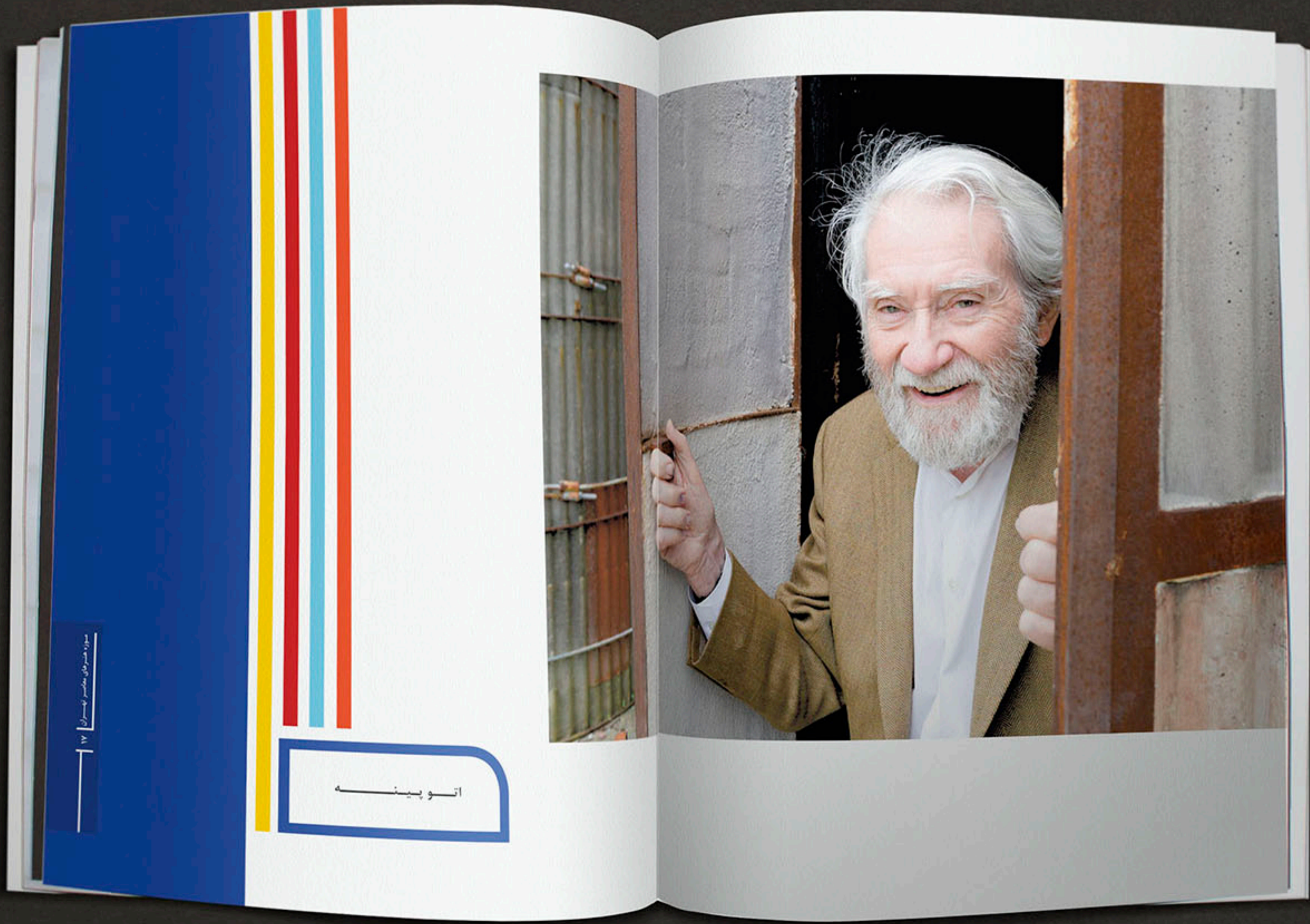
موزه هنرهای معاصر تهران

نگاهی به برنامه های سال ۱۳۹۴



موزه هنرهای معاصر تهران - تهران - خیابان ولیعصر - پلاک ۱۳۹۴

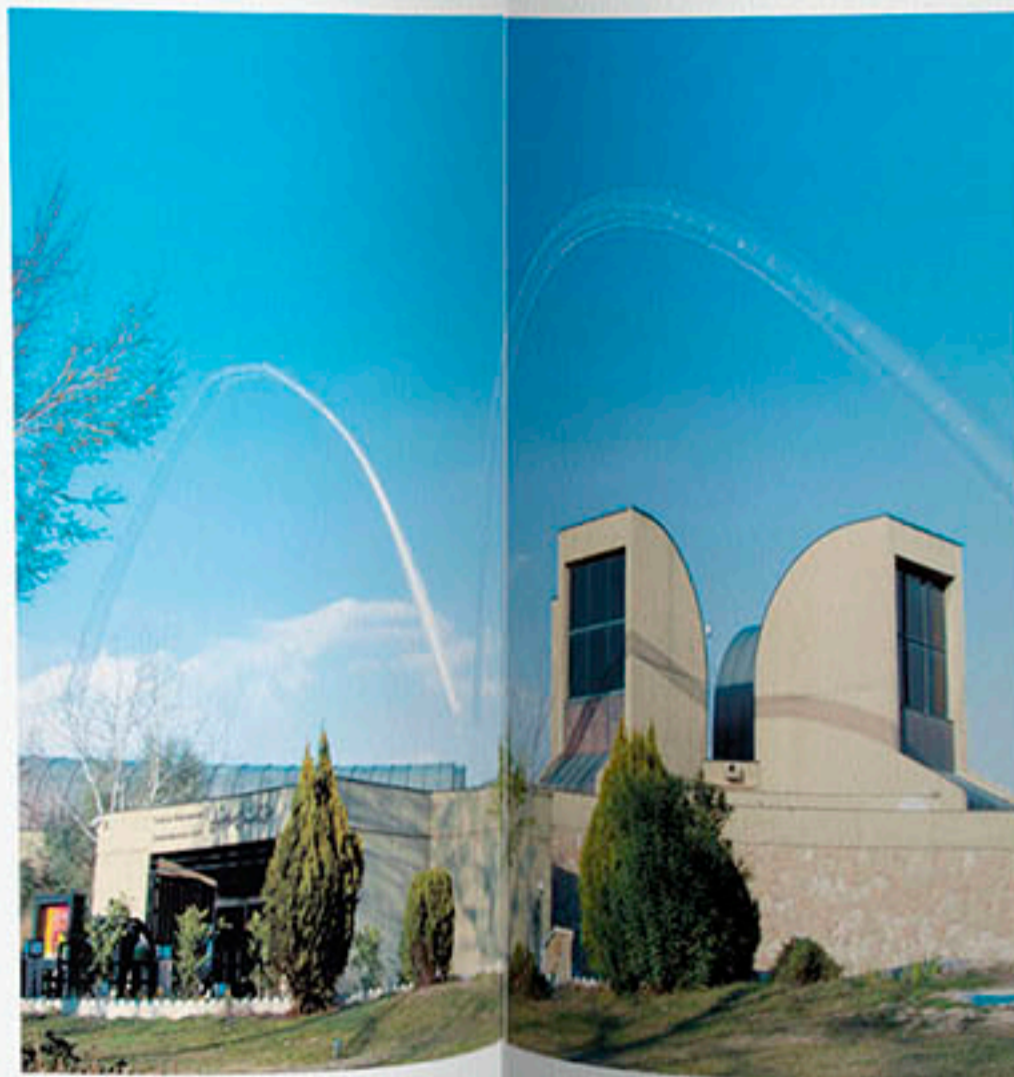
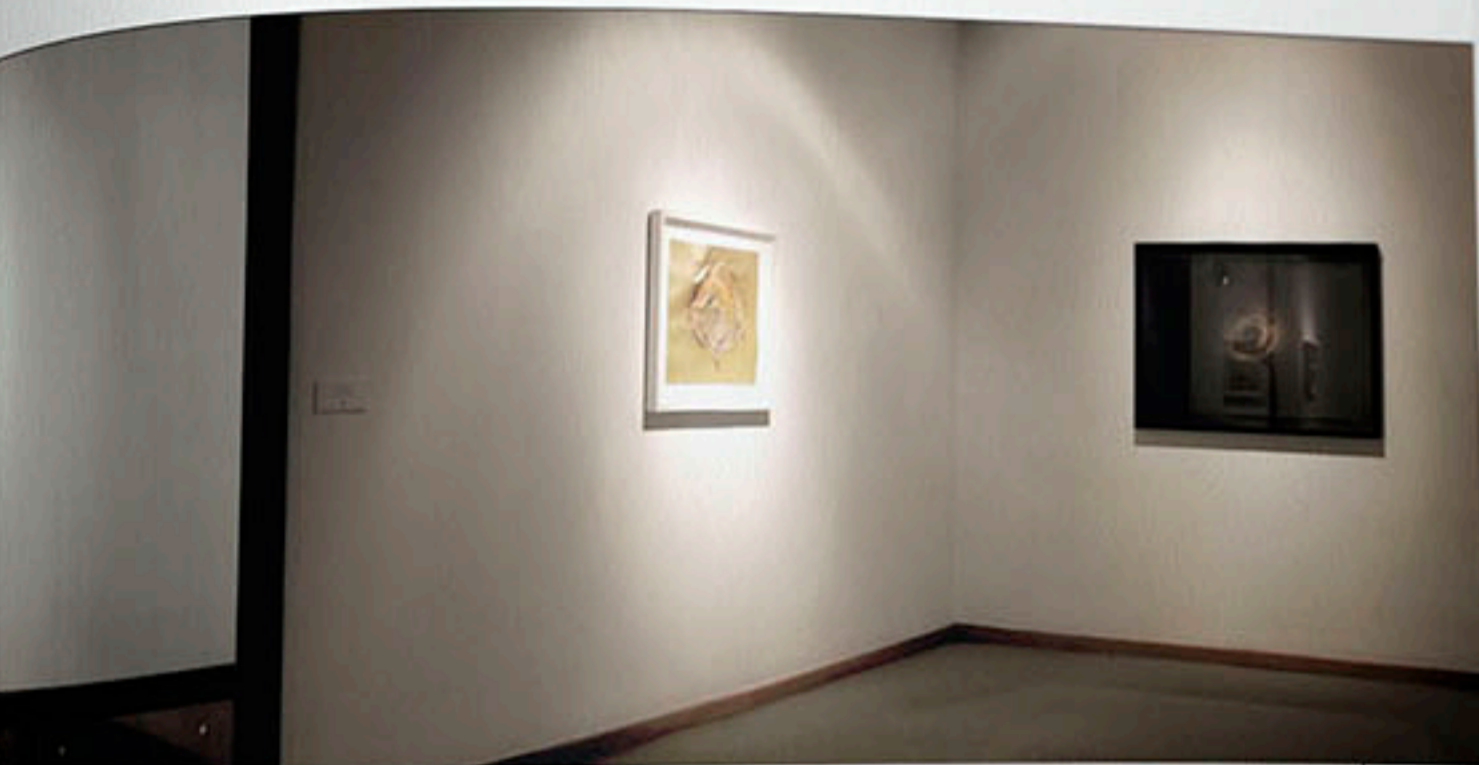
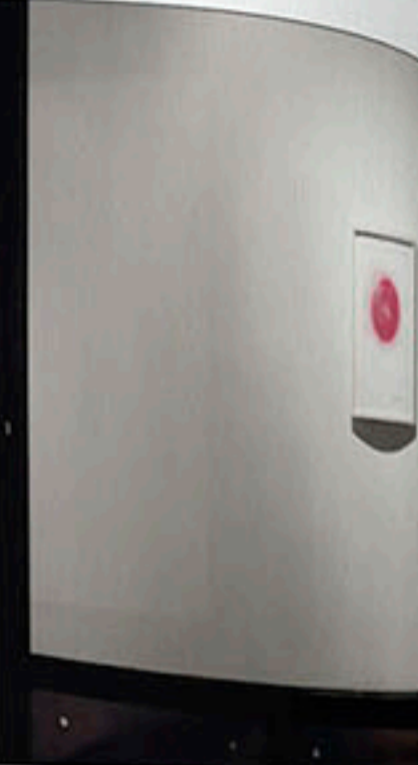




سوره ششمهدهای بهائیه

۱۳

اتوپیننه



از دیگر فعالیت های او برگزاری نمایشگاه های نور و هوا در بنیاد لاتگن آلمان و آسمان بیشتر در گالری ملی برلین و سالن هنر دوپچه بانک و دو نمایش اسکای آرت بود. او در جولای سال ۲۰۱۴ درست یک روز پس از افتتاحیه نمایشگاهش در گالری ملی برلین درگذشت. در آن زمان در شهر گروتین آمریکا زندگی می کرد و البته آنتیه اش در دوسلدورف فعال بود. سه ماه پس از فوتش نمایشگاه بزرگ یادواره گروه زیرو تحت عنوان

"ZERO. Countdown to Tomorrow. ۱۹۵۰-۱۹۶۰s" در موزه سولومونار گوگنهایم در نیویورک برگزار شد.

برخی از فعالیت ها و نمایشگاه های اتوپینه:

موزه ملی هنر توکیو، ۱۹۶۹

موزه ایالتی تاریخ فرهنگ و هنر وستفالن، مونستر آلمان، ۱۹۷۱

دریافت جایزه مجسمه آکادمی آمریکایی هنر و نگارش نیویورک، ۱۹۹۶

نمایشگاه مروری بر آثار سرامیک، موزه هتیس دوسلدورف، ۲۰۰۷

حضور در نمایشگاه "Looking at Music: Media Art of the ۱۹۶۰s" در موزه هنرهای مدرن نیویورک، ۲۰۰۸

دریافت جایزه هنرهای تجسمی از بنیاد فرهنگی دورتمند، ۲۰۰۸

شرکت در آرت بازل، ۲۰۱۰



سوره هنرهای معاصر تهران

نمایشگاه طراحان گرافیک رودی باور- کن کاتو

گرافیک از زبان باور و کن کاتو

نمایشگاه آثار رودی باور و کن کاتو از هنرمندان برجسته و معتبر هنر طراحی گرافیک جهان همزمان با هفته طراحی گرافیک تهران و با مشارکت و همکاری انجمن طراحان گرافیک از هشتم اردیبهشت تا هشتم خردادماه ۱۳۹۴ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد که مورد استقبال علاقه مندان هنر قرار گرفت.

برگزاری چنین نمایشگاهی با حضور هنرمندانی معتبر در سطح اول جهانی در موزه هنرهای معاصر تهران ضمن آشنایی هنر دوستان با طراحی گرافیک، به نزدیک تر شدن هنرمندان ایرانی به استانداردهای جهانی و ایجاد روابط فرهنگی هنری و پیشرفت طراحی گرافیک ایران کمک می کند.

در این نمایشگاه آثار طراحی متفاوتی به نمایش گذاشته شد که یکی از متفاوت ترین آنها ماکتی از چادر کوچ نشینان ایران بود که در میان آثار دو هنرمند غیر ایرانی جالب توجه بود. رودی باور مدت ها روی چادرهای کوچ نشینان در ایران تحقیق کرده و در طراحی خود از چادرهای سنتی ترکمن ها الهام گرفته است. همچنین باور یکی از بخش های کارش را روی خطوط قرار داده است. او می گوید به دنبال نوعی رابطه همنشینی میان خطوط زبانی کشورهای مختلف است. هر چند که این مساله را کار بسیار دشواری می داند چرا که هر زبان و خط از لحاظ معنایی متفاوت است و با طراحی آنها فقط به مخاطب این امکان داده می شود که از طریق فرم بصری به مفهوم پی ببرد.



رودی باور
Ruedi Baur

طراح گرافیک، متولد ۱۹۵۶ و دارای ملیت فرانسوی و سوئیسی است. از فارغ التحصیل رشته طراحی گرافیک از مدرسه هنرهای کاربردی زوریخ است. در سال ۱۹۸۹ ایده خلق مجموعه منسجمی را پروراند که در حال حاضر تبدیل به پنج استودیوی مستقل شده که در برخی پروژه های مشترک باهم همکاری دارند. از سال ۱۹۸۹ در پاریس، ۲۰۰۲ در زوریخ و ۲۰۰۷ در برلین رودی باور سرگرم کار بر روی پروژه های دو بعدی و سه بعدی در زمینه های مختلف ارتباطات بصری است: برنامه های هویت سازی، جهت دهی و اطلاع رسانی، طراحی نمایشگاه و نیز طراحی شهری. بین سال های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴، رودی باور مسئولیت اداره ی گروه طراحی "فضاهای اطلاع رسانی" را در مدرسه هنرهای زیبای شهر لیون عهده دار بود. در همان جا و در خلال سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ سازماندهی سیکل سوم بنا موضوع "طراحی فضاهای شهری" را به انجام رساند. در سال ۱۹۹۵ او به سمت استادی دانشکده ی هنرهای تجسمی لایپزیگ در رشته ی طراحی هویت سازمانی رسید و در همان جا بین سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ رییس برگزیده ی دانشگاه بود. در سال ۱۹۹۹ و در همان دانشگاه موسسه ی طراحی میان رشته ای را به وجود آورد. رودی باور از سال ۱۹۹۲ عضو AGI و از ۲۰۰۴ عضو CAFA مرکز پژوهش های هنری بازی های المپیک است. در حال حاضر رودی باور استاد اکادمی Luxun در شین یانگ (چین)، اکادمی مرکزی پکن، مدرسه ی ملی هنرهای تزئینی پاریس و دانشگاه هنر زوریخ است.

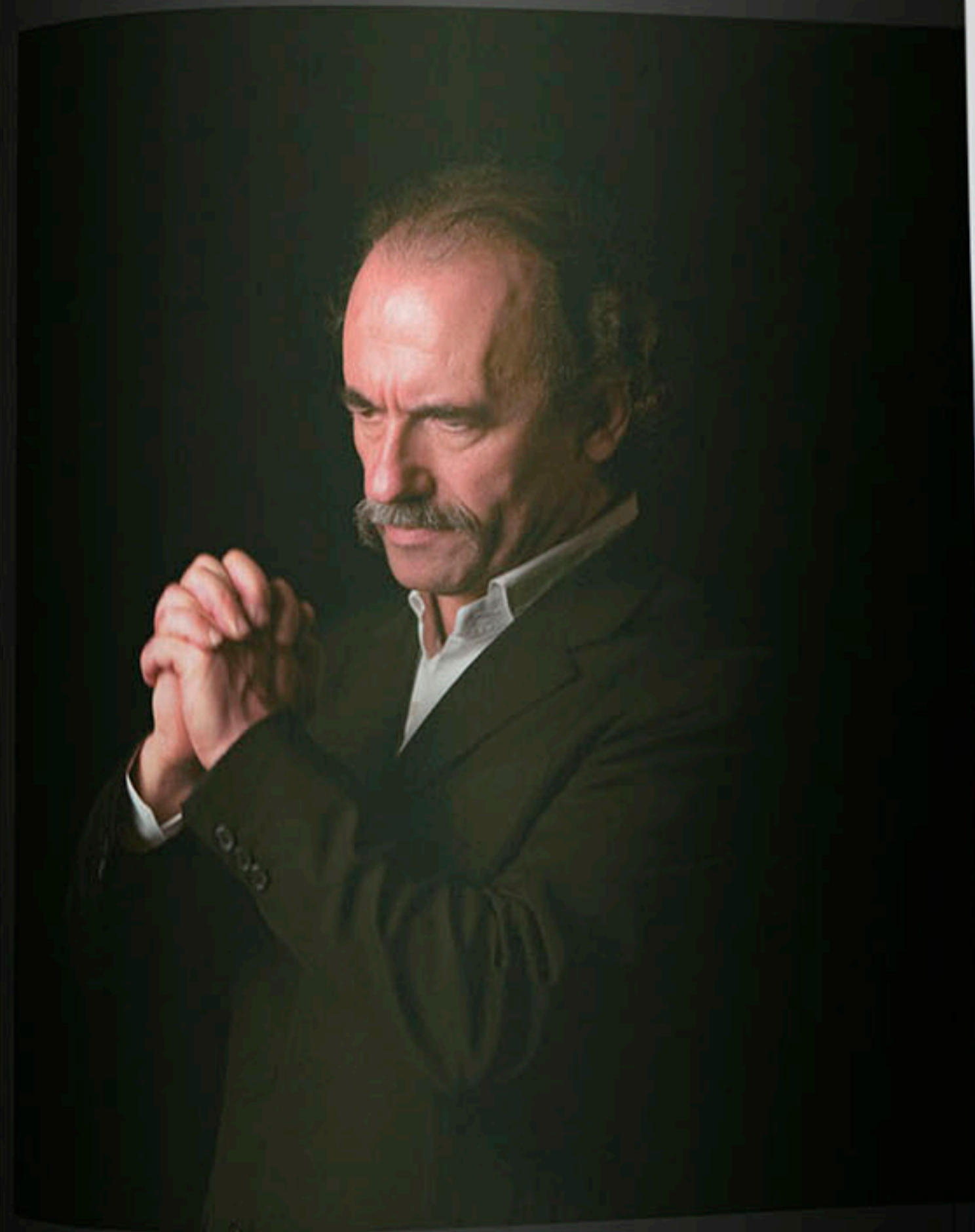
دو هنرمند ایرانی
مقیم اروپا



رنگ و بوی آشفشان در آثار بیژن بصیری

نمایشگاه آثار بیژن بصیری، هنرمند ایرانی مقیم ایتالیا با عنوان (مطلق) ۱۲ تیرماه با حضور هنرمندان و دوستداران هنر در موزه هنرهای معاصر تهران گشایش یافت و تا ۱۶ مرداد ادامه داشت. آثار بصیری تاکنون در موزه های پروجنا، پالازوکیو، اسپتزیبا، ونیزاستامبول و ناپل به نمایش درآمده و در این نمایشگاه (مطلق) در موزه هنرهای معاصر تهران شامل آثار حجمی، تابلوهای نقاشی و چیدمان های به نمایش گذاشته شد. مجموعه های شامل برانگیزی با عناوین چرخه (جدید طوفان)، ۳۲ تندیس (تخیل چند قام) و ارائه جداگانه ۳۰ تندیس، ۳۰ پایه، شش مار زرین، دو قاب- تصویر (هر یک متشکل از هشت قطعه)، ۱۲ آینه خورشیدی و یک فیلم و اثر تاس های تقدیر.

بیژن بصیری متولد ۱۳۳۳ تهران و فارغ التحصیل آکادمی هنرهای زیبای رم است. او در سال ۱۳۵۴ برای تحصیل عازم ایتالیا شد و تاکنون در آنجا زندگی می کند. آثار بصیری که در نمایشگاه های انفرادی و گروهی بسیاری در کشورهای مختلف جهان به نمایش درآمده است، با چیدمانی خاص و سنجیده و با ترکیبی از تکنیک های مختلف و با استفاده از رنگدانه ها و با بهره گیری از مواد گوناگونی همچون خمیر کاغذ، فولاد، برنز، عناصر گدازه ای و پردازش تصویر ایجاد شده اند.





وایلی کالدینسکی
کنش های روشن
۱۹۳۷
رنگ روغن روی بوم
۸۹ سانتی متر × ۱۱۶ سانتی متر

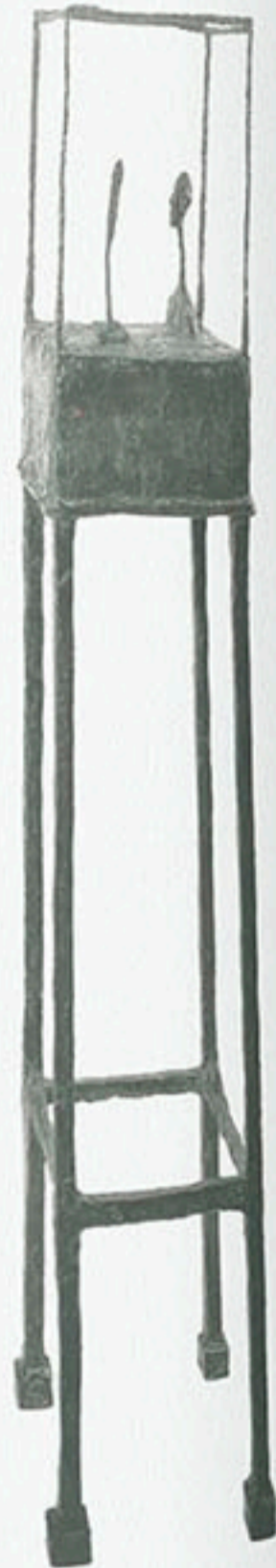
فریده لاشایی



این کار ماهیت ابستره نقاشی را با محتوای سیاسی پیوند زده بود. به همین دلیل از لاشایی دعوت کردم که در هجدهمین بی‌ینال سیدنی و سپس در بی‌ینال مسکو که دبیری آنها را برعهده داشتم آثارش را به نمایش در آوردم. در مسکو، موضوع نمایشگاه «باز هم نور» بود که در آن کارهای این هنرمند تأملی در ساختارهای زمانی، مکانی از اقتصاد سرمایه‌داری با تکیه‌اش بر تولید افزوده گرفته تا تکنولوژی‌های نوین بود.

اما زمان و مکان همچنین آن نیرویی تلقی می‌شد که میان همه ما جریان دارد. یعنی نور، یعنی نیروی آفرینش. ما امروز به شیوه فکری تازه‌ای نیاز داریم. کار فریده لاشایی در مسکو بر اساس ۸۲ نسخه چاپی فجایع جنگ «فرانسسکو گویا» شکل گرفت. او به دقت شخصیت‌ها را از این کار معروف «گویا» پاک کرده و فقط چشم‌اندازشان را باقی گذاشته بود. دایره‌ای از نور مثل توپ بازی از تصویری به تصویر دیگر حرکت می‌کرد و یکی یکی شخصیت‌ها، حتی اگر برای لحظه‌ای، بیدار می‌شدند و نظام ظلم و ستم و مصیبت را برملا می‌کردند پیش از آنکه دوباره ناپدید شوند.

رییس موزه هنرهای زیبای گن با بیان اینکه لاشایی در بیست سال گذشته در عالم هنر بیشتر خود را وارد سپهر سیاست کرده است. گفت: این کار لاشایی، همچنین به ما این نوید را می‌دهد که راه‌ها و نگرش‌های تازه‌ای را برای تخیل، گفت و گو، و آفرینش واقعیت‌های سیاسی و فرهنگی بنا بگذاریم. این پدیده امروز نام «بازگشت به مدنیت» به خود گرفته است و کار لاشایی را بی‌شک می‌توان با این عنوان نام‌گذاری کرد. به همین خاطر و به خاطر شور وفادار هنرمند است که نام این سخنرانی را «زیبایی‌شناسی شکننده و کردارشناسی پویا فریده لاشایی» گذاشته‌ام.



البرنو جاکوتش
فلس
برنز
۲۴ × ۳۳.۵ × ۱۷.۵ سانتی متر



فرانسسکو
بایون
رنگ روغن روی بوم
۷۰ × ۱۰۰ سانتی متر



موزه هنرهای معاصر تهران | ۱۳۷

لاشایی و بازگشت به مدنیت

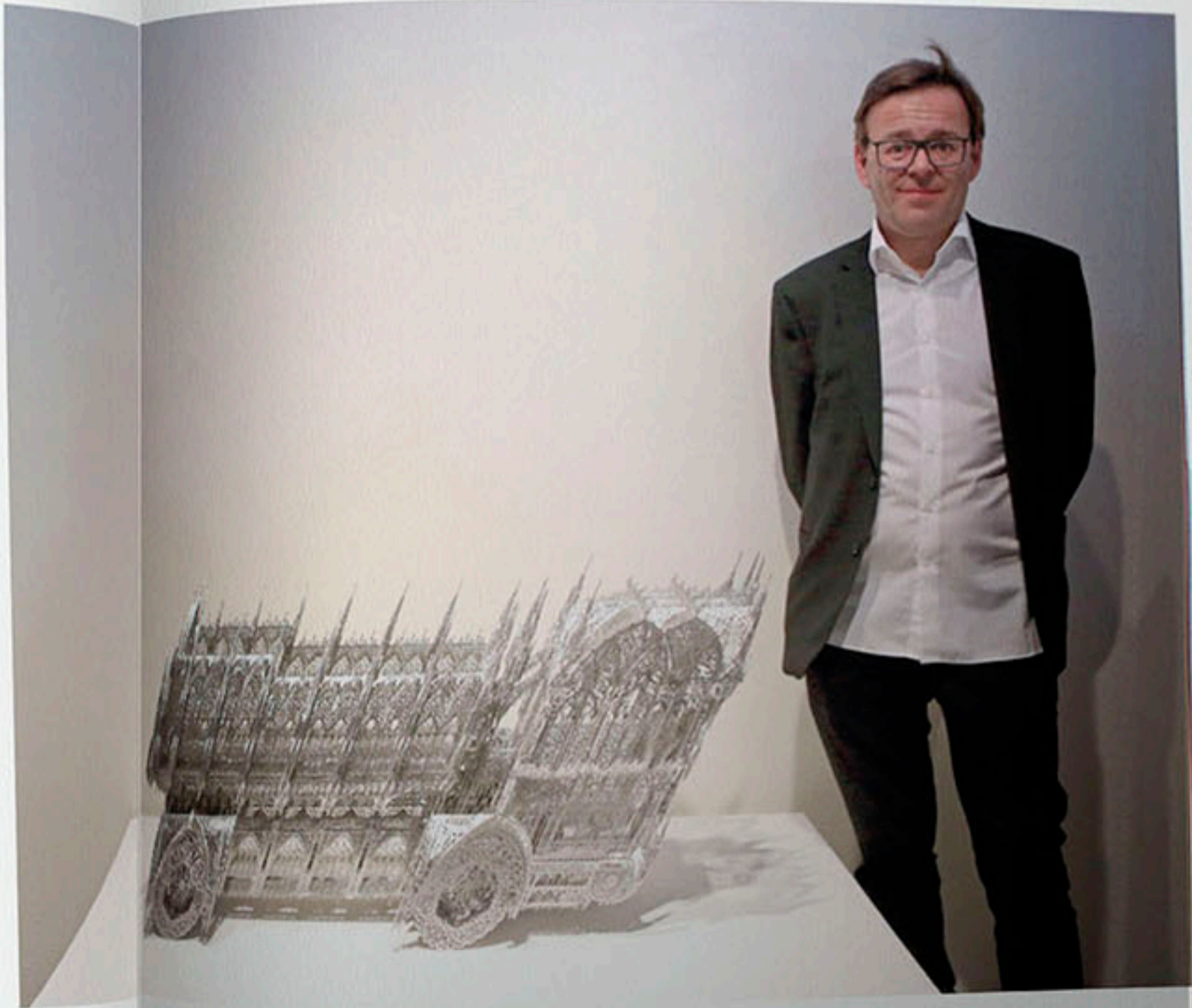
فریار جواهریان؛ کیوریتور ایرانی این نمایشگاه در ادامه مراسم گفت: برگزاری این نمایشگاه آسان نبود و چشمان جرمانو چلاتت نگاه متفاوتی داشت که باعث شد این نمایشگاه نسبت به یک نمایشگاه صرف مرور آثار متفاوت باشد و برای این نمایشگاه پس زمینه ای ملی و بین المللی در نظر گرفت.

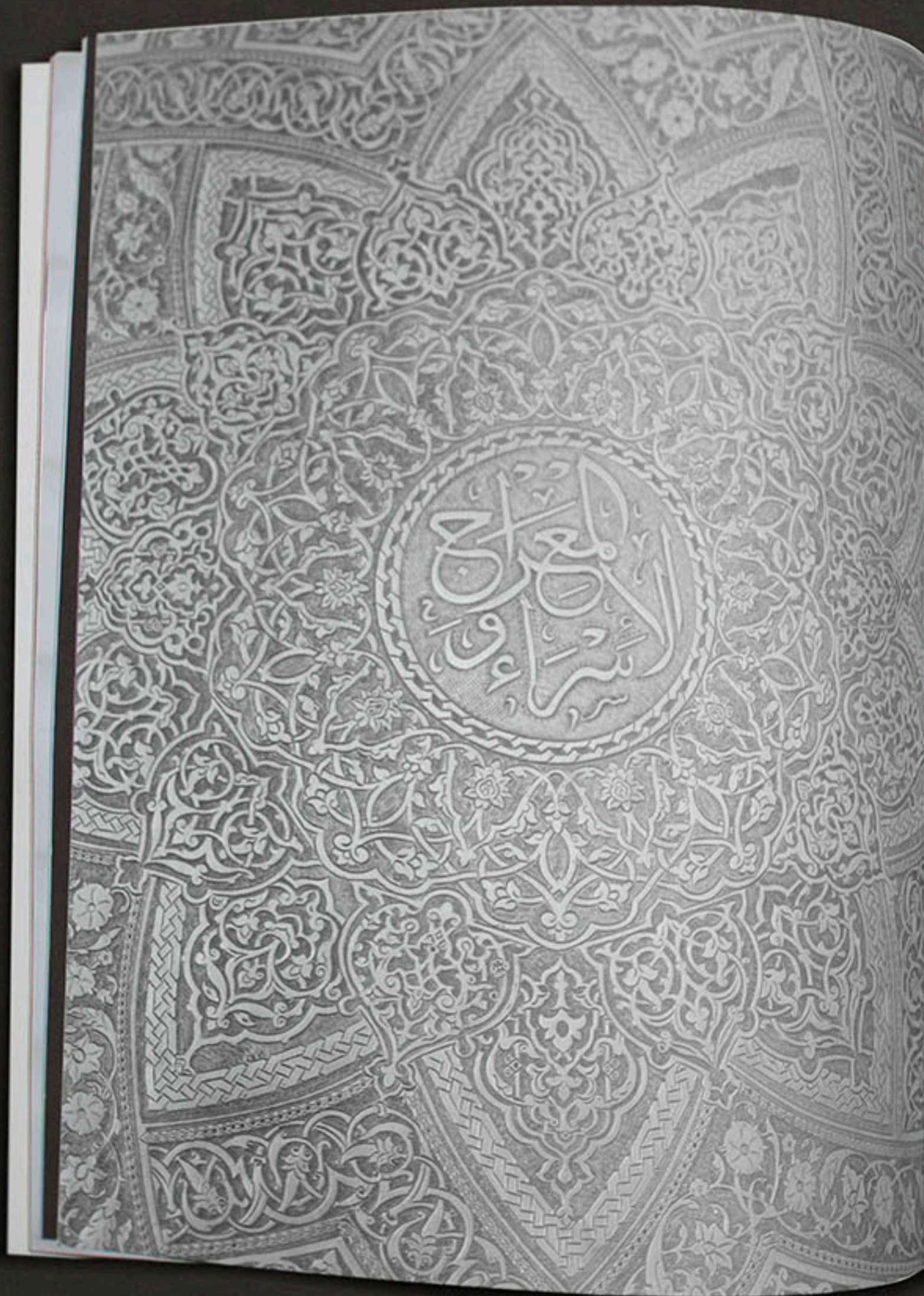
جواهریان ادامه داد: یکی از ویژگی‌های این نمایشگاه، نمایش دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها و یادداشت‌های لاشایی به عنوان بیوگرافی این هنرمند در کنار آثارش است. این اشیا به ما کمک می‌کند شناخت عمیق‌تری نسبت به هنرمندان داشته باشیم. از روح فریده لاشایی سپاسگزارم که در دوسالی که مشغول آماده کردن این نمایشگاه بودیم مواظب ما بود و ما را کمک کرد. امیدوارم هر جا هست از ما راضی باشد.

همزمان با برگزاری نمایشگاه آثار فریده لاشایی همایش یک روزه ای هم با موضوع بررسی آثار او در با حضور کاترین دو زگر؛ رئیس موزه هنرهای زیبای گن بلژیک، ونشا پورتر؛ کیوریتور موزه بریتانیا، جرمانو چلاتت کیوریتور، فریار جواهریان و جمعی از علاقه‌مندان هنر در موزه‌های معاصر تهران برگزار شد.

کاترین دو زگر با عنوان «زیبایی‌شناسی شکننده و کردارشناسی پویای فریده لاشایی» در این همایش در موزه هنرهای معاصر تهران سخنرانی کرد و با اشاره به علاقه خود به هنر ایران گفت: یکی از دلایلی که در دانشگاه به تحصیل تاریخ و باستان‌شناسی پرداختم، سرزمین ایران بود از آن زمان مشتاق بودم که به ایران سفر کنم و از نزدیک با تاریخ آن آشنا شوم. اما نگاهم به گذشته در اصل لایه‌نگاری و لایه‌برداری از امروز است. آشنایی‌ام با فریده لاشایی نیز به همین شکل است. اولین بار با فریده لاشایی و آثارش در آرت دوپسی و بی‌ینال شارجه در سال ۱۳۹۱ آشنا شدم. او در مجموعه آثارش با عنوان «إل امل»، لایه‌هایی از انیمیشن و نقاشی را بر روی هم سُرانده بود و در میانه‌اش معنا حرکت می‌کرد. دو زگر ادامه داد: شیوه بیان لاشایی برایم تازگی داشت. به نظرم او در کارش روح زمانه را بازتاب می‌داد. حتی پیش از رویدادهای دوران‌ساز آن روزها، از بهار عربی تا اجاره‌نشینی وال‌استریت. «إل امل» در سال ۱۳۹۰ آفریده شد.

ویسم دلـووی





قلم زنی روی مازراتسی و چمدان

در گالری شماره سه موزه، بخشی از آثار دلووی چیده شده است که برای مخاطب ایرانی بسیار جالب توجه است. مجموعه‌ای از ۱۲ چمدان به علاوه یک بدنه مازرتسی که با قلم زنی سنتی اصفهان تزئین شده‌اند.

دلووی در بیشتر آثارش تزئینات سنتی اروپا را دستاویز کار خود کرده است اما در این مجموعه ناگهان یک هنر سنتی ایرانی را برگزیده است، به لحاظ مفهومی این آثار برای مخاطب ایرانی ممکن است به شکل دیگری معنا شوند، هرچند دلووی همچنان بر ایده نخستین خود در همه آثارش وفادار است، نه تنها اشیا که فرم‌های فاخر و سنتی نیز در این آثار دچار از کارافتادگی شده‌اند اینها اشیایی معمولی که تزئین شده‌اند نیستند، اینها اشیایی هستند که هجوم تزئینات آنها را به مرز نابودی کشانده است و هیچ چیز از هویت نخستین آنها باقی نگذاشته است.





خلاصه ای از عملکرد سینما تک
در سال ۱۳۹۴

افتتاحیه سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران

سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران پس از چندین سال رکود و تعطیلی در ۱۸ اسفند ماه ۹۳ با نمایش «دایی جان» شاهکار ژاک تاتی افتتاح شد و از بهار ۹۴ دور تازه‌ی فعالیت‌هایش را از سر گرفت. اگرچه صندلی‌های سالن کفاف تماشاچیان را نمی‌داد، و بسیاری ناچار شدند با گذاشتن صندلی‌های پلاستیکی میان صندلی‌های سالن فیلم را تماشا کنند یا حتی ایستاده به سخنرانی‌ها گوش دهند و نمایش فیلم را انتظار بکشند. اما این دشواری‌ها خود نمایشی بود از اشتیاق دوستداران سینما تک.

انتخاب فیلم تاتی از چند نظر معتادار و گویای رویه‌ای بود که سینما تک می‌خواهد در آینده نزدیک در پیش بگیرد. به عبارتی فیلم خصایصی دارد که هر کدام می‌توانند به نوعی همچو شروط اولیه‌ی انتخاب فیلم برای نمایش در سینما تک در نظر گرفته شوند. در وهله‌ی نخست فیلم واجد ارزش هنری بالا و جایگاهی درخورد در تاریخ سینماست. مسأله‌ای که در همان روز افتتاحیه وعده داده شد در تمامی انتخاب‌های آتی در نظر گرفته شود. دوم این که به لحاظ بصری فوق‌العاده چشم‌نواز و زیباست و تماشاگر آن در سالن و روی پرده قابل قیاس با تجربه‌ای که در خانه و در مقابل تلویزیون — با هر ابعادی — حاصل می‌شود نیست و این یعنی یادآوری اهمیت دیدن فیلم در سینما. مسأله‌ای با جذبه و شکوه آیینی که نه تنها پاسخگوست به نیازی روان‌شناختی که شیوه‌ی درست تماشا است، یعنی دیدن فیلم در فضایی بزرگ، فراگیر و تاریک به صورت دسته‌جمعی، و نه به تنهایی در خانه و آن هم با حضور مدام آگهی‌های بازرگانی به صورت زیرنویس یا میان‌پرده بر صفحه‌ی تلویزیون! سومین سلاک انتخاب فیلم تاتی بحث ممیزی است. فیلم پاکیزه و بی‌مسئولیت است و با ضوابط موجود در ایران سازگار. پس خاطر مخاطب آسوده است که فیلمی خواهد دید بی‌جرح و تعدیل. این سه اصل اولیه‌ی انتخاب در سینما تک است.

هفته‌ی سینمای فرانسه
Semaine du cinéma français
Jean-Michel Frodon

با حضور ژان میشل فرودون

برای اطلاع از این رویداد، لطفاً به وبسایت www.cinemathoque.com مراجعه کنید.
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، سینما قزوین
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
 وبسایت: www.cinemathoque.com

STOP MOTION
چشم‌انداز انیمیشن‌های
سینما

سینما

www.cinemathoque.com
 Tehran.cinemathoque
 cinemathoque@tmc.com
 cinemathoque@tmc.com

برنامه‌های آینده



آنچه سینما تک طی سال نخست از دور تازه‌ی فعالیت‌هایش از مود بیش‌تر حکم سعی و خطا را داشته، بی‌تردید سینما تک به واسطه‌ی آندوخته‌های این سال خواهد توانست در سال بعد دستاورد قابل قبول‌تری داشته باشد و برنامه‌های جذاب‌تری ارائه نماید. از هم‌اکنون بخشی از برنامه‌های سال آینده قطعی و مشخص شده و بخشی دیگر نیز در حال پیگیری است و به زودی به نتیجه خواهد رسید.

مقرر شده در بهار ۹۵ بخشی مربوط به مرور آثار برجسته‌ی تاریخ سینمای صامت در نخستین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم بی‌کلام تهران در سینما تک موزه‌ی هنرهای معاصر برگزار شود. همچنین هفته‌ی فیلمی با همکاری سفارت فرانسه برگزار خواهد شد که طی آن آقای ژان میشل فرودون، سردبیر سابق مجله‌ی «کابو سینما» - که خود فیلم‌های این هفته‌ی فیلم را انتخاب کرده - قرار است درباره‌ی سینمای فرانسه و ابعاد گوناگون‌اش سخنرانی کند.

علاوه بر این‌ها سینما تک در برنامه‌ی فصلی‌اش ذیل عنوان دو سرفصل «سبب موشن در گذر زمان» و «یک فیلمساز یک نگاه» به نمایش چشم‌اندازی تاریخی از انیمیشن‌های عروسکی شاخص تاریخ سینما (با همکاری دیپارتمان انیمیشن دانشگاه هنر) و مرور سینمای هوشیارنوشین خواهد پرداخت که هر دو برنامه فوق‌العاده تازه و دیدنی خواهند بود.

بخش پایانی برنامه‌ی بهار ۹۵ به مرور محصولات مطرح و درخور توجه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اختصاص داده شده که با توجه به مسافت شدن‌اش با پنجاهمین سالگرد تأسیس کانون به نوعی حکم بزرگداشت را نیز خواهد داشت و قرار است آثاری کوبیاب از هنرمندان انیمیشن (زرین گلک، منقلا، صادقی و...) و سینمای زنده (کیارستمی، کیمیایی، نادری، مهرجویی و...) اکران کند که تا به حال به ندرت فرصت اکران به آن‌ها داده شده است. امید است سینما تک به لطف و همراهی مدیران و مسئولین مرتبط بتواند هر چه بهتر در مسیری که پیش گرفته هدایت شود و گام بردارد.

